

## نقش واسطه‌ای الگوهای تعاملی زوجین در رابطه بین آسیب‌پذیری‌های بادوام و دلزدگی زناشویی زوجین متقاضی طلاق

### The mediating role of couple communication patterns in the relationship between enduring vulnerabilities and marital burnout in the divorce-seeking couples

Mohammad Narimani  
Mohaghegh Ardabili University  
Asghar Pouresmali  
Psychology  
Nilofar Mikaeili &  
Nader Hajloo  
Mohaghegh Ardabili University

محمد نریمانی  
دانشگاه محقق اردبیلی  
اصغر پوراسمعی\*  
روانشناسی  
نیلوفر میکائیلی و  
نادر حاجلو  
دانشگاه محقق اردبیلی

چکیده: دلزدگی زناشویی به عنوان یکی از عامل‌های اساسی طلاق در ادبیات پژوهشی مطرح است که تحت تاثیر عوامل مختلفی از جمله نوزگرایی، عملکرد خانواده اصلی، باورهای ارتباطی و الگوهای تعاملی زوجین قرار دارد. پژوهش حاضر با هدف ارزیابی اثرات مستقیم و غیرمستقیم آسیب‌پذیری‌های بادوام یعنی نوزگرایی، عملکرد خانواده اصلی و باورهای ارتباطی زوجین از طریق الگوهای تعاملی زوجین بر دلزدگی زناشویی زوجین متقاضی طلاق انجام شد. ۱۰۰ زوج متقاضی طلاق در شهرستان اردبیل به پرسشنامه‌های دلزدگی زناشویی (CBM)، زیرمقیاس نوزگرایی از پرسشنامه شخصیتی نئو (NEO-FFI)، مقیاس خانواده اصلی (FOS)، پرسشنامه باورهای ارتباطی (RBI) و فرم کوتاه پرسشنامه الگوهای ارتباطی (CPQ-SF) پاسخ دادند. تحلیل داده‌ها نشان داد که مسیرهای مستقیم نوزگرایی، باورهای ارتباطی زوجین، الگوهای تعاملی توقع/کناره‌گیری و مثبت به دلزدگی زناشویی معنادار بودند. به علاوه مسیرهای مستقیم نوزگرایی و باورهای ارتباطی زوجین به سبک توقع/کناره‌گیری و هم‌چنین عملکرد خانواده اصلی و باورهای ارتباطی زوجین به سبک مثبت معنادار بودند. از سوی دیگر، طبق نتایج پژوهش، رابطه غیرمستقیم نوزگرایی و باورهای ارتباطی با دلزدگی زناشویی از طریق سبک توقع/کناره‌گیری و رابطه غیرمستقیم عملکرد خانواده اصلی و باورهای ارتباطی با دلزدگی زناشویی از طریق سبک مثبت معنادار به دست آمدند. بر اساس نتایج پژوهش به نظر می‌رسد که آسیب‌پذیری‌های بادوام زوجین به تنهایی یا به همراه سبک‌های تعاملی زوجین می‌تواند در دلزدگی زناشویی در طول زندگی نقش داشته باشد. این یافته می‌تواند در فرایند مشاوره پیش از ازدواج و درمان زناشویی به متخصصان مربوطه یاری رساند.

واژه‌های کلیدی: نوزگرایی، باور ارتباطی زوجین، سبک توقع/کناره‌گیری، سبک مثبت، دلزدگی زناشویی

**Abstract:** Marital burnout is a consistently observed essential factor for divorce in most literature and is influenced by many factors including neuroticism, family of origin, relationship beliefs and couple communication patterns. This study was carried out to investigate the direct and indirect effects of enduring vulnerabilities (neuroticism, family of origin, relationship beliefs) by communication patterns in marital burnout of divorce-seeking couples. 100 divorce-seeking couples completed measures of Couple Burnout Pains (CBM), Neuroticism component of Neo Personality Inventory (NEO-FFI), Family of Origin (FOS), Relationship Beliefs (RBI) and Communication Patterns Questionnaire-Short Form (CPQ-SF) in Ardabil, Iran. The data were analyzed using Structural Equation Modeling (SEM). The results showed that direct paths of neuroticism, relationship beliefs, positive and demand/withdraw communication patterns to marital burnout were significant. Also direct paths of neuroticism and relationship beliefs to demand/withdraw pattern; and Family of origin and relationship beliefs to positive pattern were significant. Also, the results of this study revealed that the indirect relationship between neuroticism and relationship beliefs to marital burnout through demand/withdraw pattern, and indirect relationship between family of origin and relationship beliefs to marital burnout through positive pattern were significant. The results of the present study shows that enduring vulnerabilities of couples lonely or with communication patterns can have a role in marital burnout in lifespan and also this result can help experts in process of premarital consultation and couple therapy.

**Keywords:** enduring vulnerabilities, demand/withdraw pattern, positive pattern, marital burnout

\* نشانی پستی نویسنده مسوول: اردبیل، دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه روانشناسی. پست الکترونیکی: asgharpouresmali@yahoo.com

### مقدمه

به سختی از یک پدیده ناگوار یا حتی چند ضربه ناراحت‌کننده ناشی می‌شود. در واقع انباشته شدن سرخوردگی‌ها و تنش‌های زندگی روزمره، سبب فرسایش می‌شود و سرانجام به دلزدگی منجر می‌گردد (نعیم، ۱۳۸۷). به‌منظور فهمیدن و پاسخ دادن به چگونگی و چرایی بهبود و افول و تغییرات زندگی مشترک در طول زمان و شروع دلزدگی، ملاحظه و در نظر گرفتن مدل‌های نظری و پژوهشی از اهمیت بسیاری برخوردار است (زویکر، ۲۰۱۳).

آسیب‌پذیری‌های بادوام<sup>۱۰</sup> شامل ویژگی‌های پایدار هر یک از زوج‌ها مانند شخصیت، باورها و نگرش‌ها در مورد ازدواج، تجارب خانواده اصلی و زمینه‌های اجتماعی هستند که قوت و ضعف هر زوج را در روابط بین فردی مشخص می‌کنند و یکی از سه عنصر اصلی مدل آسیب‌پذیری-استرس-انطباق<sup>۱۱</sup> کارنی و برادبری (۱۹۹۵)، یکی از مهم‌ترین و پر استنادترین مدل‌های پیش‌بینی‌کننده تغییرات در طول زندگی، هستند. شواهد طولی و مقطعی بسیار زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد پیامد‌های زناشویی به‌وسیله آسیب‌پذیری‌های بادوام، یعنی پیش‌زمینه و صفاتی که هر یک از زوجین با خود به ازدواج می‌آورند، پیش‌بینی می‌شود (کارنی و برادبری، ۱۹۹۵).

شخصیت<sup>۱۲</sup> به‌عنوان الگوی نسبتاً پایدار و ثابت تفکر، هیجان و رفتار یک فرد، یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های افراد جهت تعیین آسیب‌پذیری بادوام است که افراد با خود به ازدواج می‌آورند (رابینز، کاسپی و موفیت، ۲۰۰۰). مرور ادبیات مربوط به شخصیت و مسایل زناشویی، حاکی از ارتباط بین نورزگرایی<sup>۱۳</sup> با پیامدهای منفی زناشویی است (رابینز و همکاران، ۲۰۰۰؛ کارنی و برادبری، ۱۹۹۷؛ لارسن، بلیک، جکسون و هولمن، ۲۰۱۰؛ لاوی و بن-اری، ۲۰۰۴) که به عنوان قدرتمندترین خصیصه شخصیتی پیش‌بین وضعیت زناشویی<sup>۱۴</sup> معرفی شده است (باس، ۱۹۹۱؛ گیست و گیلبرت، ۱۹۹۶؛ کارنی و برادبری، ۱۹۹۵؛ کوردک، ۱۹۹۷). در

ازدواج از قدیمی‌ترین پیوندهای انسانی است که رشد‌دهنده شخصیت آدمی بوده و در جهت‌گیری زندگی انسان نقش برجسته‌ای دارد، تا جایی که به خاطر اهمیت، این پدیده در کنار تولد، مرگ و شغل، جزو یکی از چهار پدیده مهم زندگی انسان قرار گرفته است (دی، ۲۰۰۳). بسیاری از همسران زندگی مشترک خود را با عشق آغاز می‌کنند و بر این باورند که تنها مرگ می‌تواند آنها را از یکدیگر جدا کند و به این موضوع نمی‌اندیشند که روزی ممکن است شعله عشق آنان به خاموشی گراید. اما غیر قابل انکار است که برای بعضی از افراد ازدواج در ابتدا به‌عنوان منبعی از خشنودی و رضایت است ولی در طول زمان ممکن است به منبعی از ناکامی تبدیل شود. بررسی آمارهای ارایه شده نشان‌دهنده افزایش سالانه تعداد طلاق است به طوری که بر طبق آمار ارایه شده در ۹ ماهه اول سال ۱۳۹۴، ۵۲۰۰۸۶ ازدواج و در همین برهه زمانی ۱۲۲۳۳۹ طلاق در کشور ثبت شده است، یعنی به ازای هر ۴/۲۵ ازدواج یک طلاق (۲۳/۵۲ درصد). طبق آمار از سال ۸۵ تا ۹۴ نرخ نسبت ازدواج به طلاق در کشور از ۸/۲۸ به ۴/۲۵ رسیده است (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۴). مساله این است که چگونه تلاش‌های اولیه برای رسیدن به زندگی مشترک که با خوش‌بینی اولیه همراه است به سرخوردگی<sup>۱</sup> می‌انجامد؟ چرا پیمان ازدواج شکسته می‌شود؟ چرا طلاق<sup>۲</sup> و جدایی<sup>۳</sup> صورت می‌گیرد؟ زندگی مشترک از عوامل متعددی متاثر می‌شود که پاره‌ای از آنها ممکن است زوجها را به‌طرف اختلاف و درگیری<sup>۴</sup>، جدایی روانی و دلزدگی<sup>۵</sup> و حتی طلاق سوق دهد. از نظر پاینز<sup>۶</sup> (۱۳۸۱/۱۹۹۶) دلزدگی از پافتادن جسمی<sup>۷</sup>، عاطفی<sup>۸</sup> و روانی<sup>۹</sup> است که از عدم تناسب بین توقعات و واقعیت ناشی می‌شود. شروع دلزدگی به‌ندرت ناگهانی است و معمولاً تدریجی بوده و

1. disaffection

2. divorce

3. separation

4. discord

5. burnout

6. Pines, A.

7. physical burnout

8. psychological

9. emotional

10. enduring vulnerabilities

11. Vulnerability-Stress-Adaptation model (VSA)

12. personality

13. neuroticism

14. marital state

۱۳۹۰). نتایج بررسی کیونامی و همکاران (۲۰۱۱) نشان داد که بین تصویر ذهنی از پدر و مادر و رضایت در روابط صمیمی رابطه معناداری وجود دارد. پژوهش غرق‌فی، حسن و بابا (۲۰۱۲) و مورارو و تولیوس (۲۰۱۲) که به نقش تجارب خانواده اصلی بر سازگاری زناشویی پرداختند، نیز نشان دهنده وجود رابطه معنادار بین این متغیرها است. بر این اساس، عملکرد خانواده اصلی نیز می‌تواند یک متغیر اثرگذار در دلزدگی زناشویی باشد. متغیر دیگری که در پژوهش حاضر مشخص‌کننده آسیب‌پذیری بادوام افراد است، باورهای ارتباطی<sup>۱۲</sup> زوجین است. ارتباط، سرتاسر زندگی انسان را در بر گرفته است؛ در این بین، ارتباط زناشویی و باورهای منطقی و غیرمنطقی در این مورد به عنوان طولانی‌ترین و عمیق‌ترین نوع ارتباط است که می‌تواند دست‌مایه شادی یا منبع بزرگ رنج و تألم باشد. دیدگاه‌های شناختی، رضایت یا نارضایتی زوجها را به شیوه تفکر متفاوت آنها نسبت به اعمال و رفتار همسرانشان نسبت می‌دهند (فینی، ۱۹۹۹). ایدلسون و اپستین<sup>۱۳</sup> (۱۹۸۲)؛ به نقل از همبرت، ۲۰۰۹) معتقدند که باورهای ارتباطی غیرمنطقی و رضایت از روابط به‌طور معکوس با هم رابطه معنادار دارند. آنها در پژوهش خود نشان دادند که رضایت زناشویی پایین با باورهای ارتباطی غیرمنطقی در ارتباط است. مطالعه ویلوقبای (۲۰۱۵) نیز نقش باورهای غیرمنطقی در روابط مثبت زوجین را مورد تایید قرار داد. در مطالعات دیگر نیز یافته‌های مشابهی گزارش شده است (همامسی، ۲۰۰۵؛ ساین ایجسی و جنکاز، ۲۰۰۶؛ ریگیو و ویزر، ۲۰۰۸). در تحقیقات داخلی که با استفاده از فهرست باورهای ارتباطی انجام شده است، می‌توان به رابطه معکوس باورهای ارتباطی غیرمنطقی با سازگاری زناشویی (مومن‌زاده، ۱۳۸۱)، احساسات مثبت به همسر (حیدری، مظاهری و پوراعتماد، ۱۳۸۴) و رضایت زناشویی (اسماعیل‌پور، خواجه و مهدوی، ۱۳۹۲) اشاره کرد.

علاوه بر متغیرهای مربوط به آسیب‌پذیری‌های بادوام، دومین عنصر در مدل آسیب‌پذیری-استرس و انطباق کارنی و برادبری (۱۹۹۵) که با مطالعه ۱۱۵ پژوهش طولی و حمایت قوی پژوهشی به‌عنوان متغیر پیش‌بین و واسطه‌ای کیفیت

پژوهش‌های مشابه دیگری بین نورزگرایی با کیفیت زناشویی<sup>۱</sup> (کوردک، ۱۹۹۷، کارنی و برادبری، ۱۹۹۷)، روابط جنسی (اسپرکر و کیت، ۲۰۰۴)، سازگاری زناشویی (لاوی و بن-اری، ۲۰۰۴)، رضایت جنسی<sup>۲</sup> (بایرز، ۲۰۰۵) و رضایت زناشویی (لارسن و همکاران، ۲۰۱۰؛ لیندستروم، ۲۰۱۳) رابطه منفی یافت شد. در پژوهش نادری و همکاران (۱۳۸۸) از بین پنج عامل شخصیتی، عامل نورزگرایی بیشترین همبستگی را با دلزدگی زناشویی داشت. هم‌چنین در پژوهش ساداتی و همکاران (۱۳۹۳) نورزگرایی سهم معناداری در پیش‌بینی تعارضات زناشویی و ودلزدگی زناشویی داشت.

دومین متغیر مشخص‌کننده آسیب‌پذیری بادوام افراد و متغیر پیش‌بین دلزدگی زناشویی در پژوهش حاضر خانواده اصلی<sup>۳</sup> است. رویکردهای چند نسلی درباره رشد فردی و خانوادگی فرض می‌کنند که پویایی داخل خانواده اصلی میراثی را برای فرد فراهم می‌سازد که هم مسیر فردی و هم رشد خانوادگی او را تعیین می‌کند (ویتون، والدینجر، شولز، الن، کرول و همکاران، ۲۰۰۸). یکی از این عوامل که متخصصان و صاحب‌نظران راجع به آن نظریه‌پردازی کرده‌اند و پژوهش‌های متعددی انجام داده‌اند، تاثیر خانواده اصلی و اولیه‌ای است که هر یک از زوجین در آن رشد کرده‌اند. در زمینه نحوه تاثیر خانواده اصلی بر خانواده فعلی نظریه‌های متعددی مطرح شده و پژوهش‌های زیادی انجام گرفته است. از جمله این نظریه‌ها که رابطه بین ویژگی‌های خانواده اصلی زوجین را بر زندگی زناشویی آنان تبیین می‌کند می‌توان به نظریه ارتباط شی<sup>۴</sup> (اشپیتز<sup>۵</sup>، ۱۹۶۵)، نظریه دل‌بستگی<sup>۶</sup> (بالبی<sup>۷</sup>، ۱۹۶۹) نظریه سیستم‌های خانواده<sup>۸</sup> بوئن<sup>۹</sup> (۱۹۷۸) و نظریه یادگیری اجتماعی<sup>۱۰</sup> بندورا<sup>۱۱</sup> (۱۹۷۳) اشاره کرد (به نقل از فرحبخش،

1. marital quality
2. sexual satisfaction
3. family of origin
4. object relationship
5. Spitz, R.
6. attachment theory
7. Bowlby, J.
8. family systems theory
9. Bowen, M.
10. social learning theory
11. Bandura, A.

12. couples relationship beliefs

13. Eidelson, N., & Epstein, R.

می‌آوردند در الگوهای تعامل زوجین در هنگام مواجهه با مشکلات و تعارض‌ها تاثیر دارد. بنابراین به نظر می‌رسد که لازم است این دو عامل جهت مشخص کردن تاثیرشان بر رشد ازدواج و دلزدگی زناشویی، مشترکا مورد مطالعه قرار گیرند. با توجه به این‌که بیشتر افراد در طول زندگی خود حداقل یک بار ازدواج می‌کنند و متقابلا با توجه به فراوانی مشکلات زناشویی و میزان طلاق در بین زوجین، بررسی تعیین کننده‌های مرتبط با دلزدگی زناشویی می‌تواند کمک بزرگی در پیشگیری و کنترل آسیب اجتماعی طلاق و افزایش کیفیت زندگی زوجین باشد. چراکه قبل از این‌که بتوان عواملی را برای پیشگیری و یا برنامه‌ای را جهت افزایش عوامل مرتبط با زندگی مشترک طراحی نمود، در گام اول باید این عوامل را شناسایی کرد. بنابراین با توجه به آن‌چه که گفته شد، سوال اصلی پژوهش حاضر این است که آیا آسیب‌پذیری‌های دیرپای اولیه، شامل نورزگرایی، عملکرد خانواده اصلی و باورهای ارتباطی، و الگوهای تعاملی زوجین به‌طور مستقیم بر دلزدگی زناشویی تاثیر می‌گذارند و آیا آسیب‌پذیری‌های دیرپای اولیه زندگی به‌طور غیرمستقیم و از طریق الگوهای تعاملی یعنی سبک توقع/کناره‌گیری و سبک مثبت، بر دلزدگی زناشویی تاثیر دارد؟

## روش

### جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است. برای آزمون مدل مفهومی ارائه شده و تحلیل داده‌ها از روش معادلات ساختاری<sup>۹</sup> استفاده شد. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش تمامی افرادی بودند که در بازه ۶ ماهه، به مراجع قضایی، اعم از دادگاه‌ها و شورای حل اختلاف دادگستری شهرستان اردبیل برای موضوع طلاق مراجعه کردند. از آنجایی که روش‌شناسی مدل‌یابی معادلات ساختاری، تا حدود زیادی با برخی از جنبه‌های رگرسیون چندمتغیری شباهت دارد، می‌توان از اصول تعیین حجم نمونه در تحلیل رگرسیون چندمتغیری برای تعیین حجم نمونه در مدل‌یابی معادلات

زناشویی و ناپایداری زناشویی است. الگوهای تعاملی زوجین<sup>۱</sup> است (کارنی و برادبری، ۱۹۹۵). از نظر خانواده‌درمانگران سیستمی، الگوهای تعاملی زوجین بر اساس قراردادهای نامرئی به وجود می‌آید و بر روابط متقابل آنها حاکم می‌شود. تخطی از الگوهای تعاملی باعث ایجاد احساس بی‌وفایی در طرف مقابل می‌شود. این الگوهای تعاملی در عین مشخص بودن، از انعطاف کمی برخوردارند (مینوچین<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴؛ به نقل از اسماعیل‌پور و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین مشکلات تعاملی، موضوع محوری در رویکردهای ارتباطی نسبت به خانواده است. این رویکردها، تعارض<sup>۳</sup> بین زوجین را، نه در قالب مشکلات دو نفر، بلکه به عنوان یک رابطه ناکارآمد تحلیل می‌کنند. در مدل آسیب‌پذیری-استرس و انطباق نیز الگوهای ارتباطی و تعامل زوجین در برابر تعارضات به عنوان متغیر پیش‌بین پایداری زناشویی هستند و از جهتی نیز این الگوهای زوجین تحت تاثیر آسیب‌پذیری‌های اولیه و دیرپای زوجین مثل نورزگرایی، محیط اولیه زندگی و باورهای ارتباطی زوجین است. فراتحلیل شراد و همکاران (۲۰۱۴) نیز نقش سبک تعاملی توقع/کناره‌گیری زوجین را در جنبه‌های مختلف زندگی فردی و زوجی مورد تایید قرار داد. در مدل پژوهشی هین و همکاران (۲۰۰۵) الگوهای ارتباطی توقع/کناره‌گیری<sup>۴</sup> و اجتنابی<sup>۵</sup> به‌عنوان متغیر پیش‌بین سازگاری زناشویی است که خود تحت تاثیر نشانه‌های افسردگی است. در مدل پژوهشی ارایه شده توسط کرولی (۲۰۰۶) الگوهای ارتباطی توقع/کناره‌گیری به‌عنوان متغیر پیش‌بین کیفیت زناشویی تحت تاثیر سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی<sup>۶</sup> است. در پژوهش خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۱) نیز معناداری نقش حل تعارض<sup>۷</sup> سلطه‌گرانه<sup>۸</sup> و اجتنابی در ارتباط بین سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی با کیفیت زناشویی زنان مورد تایید قرار گرفت. این یافته‌ها پیشنهاد می‌کنند که آسیب‌پذیری‌های بادوام که زوجین با خود به ازدواج

1. couples communication patterns
2. Minuchin, S.
3. conflict
4. demand/withdraw communication pattern
5. avoidance
6. anxious and avoidant attachment styles
7. conflict resolution
8. dominating

9. Structural Equation Modeling (SEM)

این پرسشنامه پنج عامل شخصیتی نورزگرایی، تجربه‌پذیری<sup>۹</sup>، برون‌گرایی<sup>۱۰</sup>، همسازی<sup>۱۱</sup> و وظیفه‌شناسی<sup>۱۲</sup> را می‌سنجد که در این پژوهش از زیر مقیاس نورزگرایی فرم ۶۰ سوالی استفاده شده است. ضرایب پایایی<sup>۱۳</sup> با استفاده از روش آلفای کرونباخ<sup>۱۴</sup> برای بعد نورزگرایی در پژوهش شارون<sup>۱۵</sup> (۲۰۰۲)، ۰/۸۶ و در پژوهش واین<sup>۱۶</sup> (۲۰۰۳)، ۰/۷۴ گزارش شد (به نقل از عبدالله زاده، ۱۳۸۶). در مطالعه گروسی‌فرشی (۱۳۸۰)، ضریب پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای بعد نورزگرایی ۰/۸۳ گزارش شد. در پژوهش شولی‌بندر ریگی‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) آلفای کرونباخ و تصنیف<sup>۱۷</sup> برای تعیین پایایی این زیرمقیاس به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۸۵ محاسبه گردید. در مورد روایی<sup>۱۸</sup> مقیاس نیز انیسی و همکاران (۱۳۹۰) در بررسی روایی همزمان، گزارش کردند که ضریب همبستگی نورزگرایی و برون‌گرایی در پرسشنامه نئو با نورزگرایی و برون‌گرایی در پرسشنامه شخصیتی آیسنک<sup>۱۹</sup> به ترتیب ۰/۶۹ و ۰/۴۷ بود.

**مقیاس خانواده اصلی (FOS).** این پرسشنامه که توسط هاوشتات و همکاران (۱۹۸۵) تهیه شده است، یک ابزار ۴۰ سوالی است و برای سنجیدن ادراک و استنباط فرد از میزان سلامت خانواده اصلی‌اش تدوین شده است. مقیاس خانواده اصلی بر استقلال<sup>۲۰</sup> و صمیمیت<sup>۲۱</sup> به‌عنوان دو مفهوم کلیدی در حیات یک خانواده سالم تمرکز دارد، و هر یک از ۴۰ پرسش آن بر اساس یک مقیاس پنج‌درجه‌ای (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) درجه‌بندی شده است. حداقل نمره «۴۰» و حداکثر «۲۰۰» است که نمرات بالاتر نشانه سلامت بیشتر خانواده اصلی است. پایایی پرسشنامه توسط هاوشتات و همکاران

ساختاری استفاده کرده و به ازای هر متغیر اندازه‌گیری شده ۵ تا ۱۵ نمونه انتخاب کرد (هومن، ۱۳۸۴)، از این رو با توجه به این که در مدل ارائه شده ۱۲ متغیر اندازه‌گیری وجود دارد، حجم نمونه بین ۶۰ تا ۱۸۰ نفر برآورد شد. هم‌چنین از آنجایی که به زعم بسیاری از پژوهشگران حداقل حجم نمونه لازم در مدل‌های ساختاری ۲۰۰ است (کلاین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰؛ هو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸؛ به نقل از حبیبی، ۱۳۹۱) نمونه پژوهش حاضر شامل ۲۰۰ زوج (۱۰۰ زن، ۱۰۰ مرد) بود. نمونه‌گیری به صورت در دسترس از بین افرادی صورت گرفت که حداقل تحصیلات آنها تا کلاس اول دبیرستان بود (به‌منظور توانایی خواندن و درک پرسشنامه‌های خود گزارش دهی) و یک سال از دوره عقد یا ازدواج آنها گذشته بود. بنابراین شرکت کنندگان پس از اعلام تمایل به همکاری و دارا بودن شرایط ورود، با توضیحات اولیه، زیرمقیاس نورزگرایی از پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نئو<sup>۳</sup>، مقیاس خانواده اصلی<sup>۴</sup>، پرسشنامه باورهای ارتباطی<sup>۵</sup>، فرم کوتاه پرسشنامه الگوهای ارتباطی<sup>۶</sup> و مقیاس دلزدگی زناشویی<sup>۷</sup> را تکمیل کردند. دامنه سنی شرکت‌کنندگان ۱۷ تا ۵۱ سال با میانگین و انحراف استاندارد ۲۸/۲۱ و ۵/۲، و طول مدت ازدواج شرکت‌کنندگان از ۱ تا ۲۸ سال با میانگین ۲/۰۶ سال و انحراف استاندارد ۴/۵ بود.

### ابزار سنجش

#### پرسشنامه پنج عامل شخصیتی نئو (NEO-FFI).

پرسشنامه پنج عامل شخصیتی نئو ابتدا با ۱۸۵ پرسش توسط کاستا و مک‌کری<sup>۸</sup> (۱۹۸۵)؛ به نقل از پیتلیک-زیلیگ، هم‌نوور و دینسبیر، (۲۰۰۲) تهیه شد. پس از آن بر اساس همین پرسشنامه، فرم‌های ۲۴۰ و ۶۰ سوالی آن نیز توسط همین پژوهشگران ساخته شد (پیتلیک-زیلیگ و همکاران، ۲۰۰۲).

9. openness to experience
10. extraversion
11. agreeableness
12. conscientiousness
13. reliability
14. Cronbach's alpha
15. Sharon, C.
16. Vine, P
17. Split-half
18. validity
19. Eysenck Personality Questionnaire (EPQ)
20. autonomy
21. intimacy

1. Kline, R.
2. Ho, M.
3. NEO Five-Factor Personality Inventory (NEO-FFI)
4. Family of Origin Scale (FOS)
5. Relationship Beliefs Inventory (RBI)
6. Communication Patterns Questionnaire-Short Form (CPQ-SF)
7. Couple Burnout Measure (CBM)
8. Costa, P. & McCrae, R.

شد. لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر از آنجایی که اکثر شرکت‌کنندگان به زیرمقیاس کمال‌گرایی جنسی پاسخ ندادند، این زیرمقیاس حذف گردید.

#### فرم کوتاه پرسشنامه الگوهای ارتباطی (CPQ-SF).

کریستین و هیوی (۱۹۹۰) این فرم کوتاه ۱۱ سوالی را، از پرسشنامه الگوهای ارتباطی ۳۵ سوالی کریستین و سلاوی (۱۹۸۴) به دست آوردند. زوجین هر رفتاری را روی یک مقیاس ۹ درجه‌ای لیکرت از ۱ (اصلاً امکان ندارد) تا ۹ (خیلی امکان دارد)، پاسخ می‌دهند. این پرسشنامه رفتار زوج‌ها را در مراحل دوگانه تعارض زناشویی شامل هنگامی که مشکلی در روابط زوج‌ها به وجود می‌آید و مدت زمانی که درباره مشکل ارتباطی بحث می‌شود در دو زیرمقیاس الگوی تعاملی توقع/کناره‌گیری و الگوی تعاملی مثبت<sup>۸</sup> بررسی می‌کند. در پژوهش کریستین و هیوی (۱۹۹۰) روایی و پایایی فرم کوتاه این پرسشنامه مشابه فرم بلند بوده و آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس توقع/کناره‌گیری ۰/۷۴ و برای الگوی تعاملی مثبت ۰/۷۳ به دست آمد. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ جهت بررسی پایایی آزمون برای سبک تعاملی توقع/کناره‌گیری ۰/۷۳ و سبک مثبت ۰/۸۲ به دست آمد و روایی سازه با روش تحلیل عاملی تاییدی برای آیتم‌های سبک تعاملی توقع/کناره‌گیری بین ۰/۵۲ تا ۰/۸۸ و سبک مثبت ۰/۵۴ تا ۰/۸۷ به دست آمد.

#### مقیاس دلزدگی زناشویی (CBM). مقیاس دلزدگی

زناشویی یک ابزار خودسنجی است که توسط پاینز (۱۳۸۱/۱۹۹۶) با هدف اندازه‌گیری درجه دلزدگی زناشویی در بین زوجین ساخته شد. این پرسشنامه شامل ۲۱ ماده است که از سه زیرمقیاس از پافتادن جسمی، روانی و عاطفی تشکیل شده است که در یک مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت از ۱ (هرگز) تا ۷ (همیشه) نمره‌گذاری می‌شود. نمره بالاتر در این مقیاس نشانه دلزدگی بیشتر است. ضریب پایایی مقیاس با روش بازآزمایی در یک دوره یک‌ماهه برابر ۰/۷۶ و با استفاده از روش آلفای کرونباخ در دامنه‌ای بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ محاسبه شده است (پاینز، ۱۳۸۱/۱۹۹۶). نعیم (۱۳۸۷) در پژوهش خود پایایی این مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ و

(۱۹۸۵) بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۷۵ گزارش شده است. در پژوهشی دیگر پایایی آن از طریق باز آزمایی دو هفته‌در بعد استقلال و صمیمیت به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۷۳ برآورد شد (ثنائی، علاقبند، فلاحتی و هومن، ۱۳۸۷). در ایران، ضرایب آلفای به دست آمده در پژوهش حسینیان و همکاران (۱۳۸۶) برای کل مقیاس ۰/۹۴ و برای ابعاد استقلال و صمیمیت به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۸۹ بوده است، هم‌چنین در پژوهش آنها، روایی این مقیاس مورد تایید چند تن از استادان مشاوره کشور قرار گرفت.

#### پرسشنامه باورهای ارتباطی (RBI). این پرسشنامه که

به منظور اندازه‌گیری باورهای غیرمنطقی در زندگی زناشویی توسط ایدلسن و اپستین (۱۹۸۲) ساخته شده و توسط مظاهری و پور اعتماد (۱۳۸۰) با روش ترجمه و ترجمه مجدد به فارسی برگردانده شده است، دارای ۴۰ سوال است که در طیف لیکرت به صورت ۶ گزینه‌ای از ۰ (کاملاً غلط) تا ۵ (کاملاً درست) پاسخ داده می‌شود. پنج زیرمقیاس این پرسشنامه عبارت‌اند از باور به تخریب‌کنندگی مخالفت<sup>۱</sup>، توقع‌ذهن‌خوانی<sup>۲</sup>، کمال‌گرایی جنسی<sup>۳</sup>، باور به تفاوت‌های جنسیتی<sup>۴</sup> و باور به عدم تغییر همسر<sup>۵</sup>. همسانی درونی<sup>۶</sup> این پرسشنامه در پژوهش‌های متفاوت مورد بررسی قرار گرفته است. آلیری (۱۹۸۷) همسانی درونی این پرسشنامه را ۰/۷۲ تا ۰/۸۱ گزارش کرده است و نشان داد که هر پنج زیرمقیاس این پرسشنامه با مقیاس‌های سازگاری زناشویی رابطه معنادار دارند. جیمز و همکاران (۲۰۰۲) برای پنج زیرمقیاس این پرسشنامه آلفای ۰/۵۸ تا ۰/۸۳ را گزارش کردند. حیدری و همکاران (۱۳۸۴) همسانی درونی را برای زیرمقیاس‌های این پرسشنامه از ۰/۴۷ تا ۰/۷۰ به دست آوردند. در پژوهش حاضر روایی سازه<sup>۷</sup> با روش تحلیل عاملی تاییدی برای زیرمقیاس‌های باور به تخریب‌کنندگی مخالفت، توقع ذهن‌خوانی، باور به تفاوت‌های جنسیتی و باور به عدم تغییر همسر به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۶۰، ۰/۷۵ و ۰/۷۲ برآورد

1. disagreement is destructive
2. mind reading is expected
3. sexual perfectionism
4. the sexes are different
5. partners cannot change
6. Internal consistency
7. construct validity

8. positive communication pattern

پژوهشی اصلی و زیرمقیاس‌ها ارایه شده است. نتایج ماتریس همبستگی نشان می‌دهد که دزدگی زناشویی زوجین با متغیرهای نوززگرایی، باورهای ارتباطی و زیر مقیاس‌های آن و همچنین سبک تعاملی توقع/کناره‌گیری رابطه مثبت و معنادار و با متغیر سبک تعاملی مثبت رابطه منفی معنادار دارد. همچنین نتایج حاکی از آن است که بین دزدگی زناشویی زوجین با متغیر عملکرد خانواده اصلی و زیر مقیاس‌های آن رابطه معنادار وجود ندارد.

تنصیف به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۸۲ محاسبه نموده است. در پژوهش نادری و همکاران (۱۳۸۸) برای بررسی روایی این مقیاس از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ استفاده شد که ضریب همبستگی بین این دو پرسشنامه ۰/۴۰ - به دست آمد که در سطح  $p < ۰/۰۰۱$  معنادار است.

### یافته‌ها

در جدول ۱ نتایج همبستگی بین متغیرهای پژوهشی و میانگین و انحراف استاندارد شرکت کنندگان در متغیرهای

جدول ۱

ماتریس همبستگی متغیرهای دزدگی زناشویی، نوززگرایی، عملکرد خانواده اصلی، باورهای ارتباطی و الگوهای ارتباطی

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱. دزدگی زناشویی کل	۱														
۲. دزدگی جسمانی	۰/۹۲**	۱													
۳. دزدگی روانی	۰/۸۶**	۰/۸۰**	۱												
۴. دزدگی عاطفی	۰/۹۱**	۰/۸۴**	۰/۷۹**	۱											
۵. نوززگرایی	۰/۴۳**	۰/۴۰**	۰/۳۷**	۰/۴۰**	۱										
۶. عملکرد خانواده اصلی	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۱۳	۱									
۷. استقلال	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۱۱	۰/۸۳**	۱								
۸. صمیمیت	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۱۳	۰/۹۴**	۰/۷۸**	۱							
۹. باورهای ارتباطی کل	۰/۳۵**	۰/۳۸**	۰/۳۰**	۰/۳۲**	۰/۳۴**	۰/۰۸	۰/۰۷	۰/۰۸	۱						
۱۰. تخریب مخالفت	۰/۲۹**	۰/۲۷**	۰/۲۵**	۰/۲۷**	۰/۳۳**	۰/۰۵	۰/۱۰	۰/۰۸	۰/۵۸**	۱					
۱۱. ذهن‌خوانی	۰/۱۶**	۰/۱۵**	۰/۱۴**	۰/۱۵**	۰/۲۱**	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۰۸	۰/۵۱**	۰/۲۶**	۱				
۱۲. تغییرناپذیری همسر	۰/۱۹**	۰/۱۸**	۰/۱۷**	۰/۱۸**	۰/۱۸**	۰/۰۹	۰/۰۴	۰/۰۸	۰/۵۵**	۰/۳۱**	۰/۲۵**	۱			
۱۳. تفاوت‌های جنسیتی	۰/۲۳**	۰/۳۰**	۰/۲۸**	۰/۳۰**	۰/۳۶**	۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۰۸	۰/۵۸**	۰/۳۳**	۰/۲۷**	۰/۰۵	۱		
۱۴. توقع/کناره‌گیری	۰/۲۶**	۰/۲۱**	۰/۲۳**	۰/۲۶**	۰/۳۸**	۰/۱۹**	۰/۱۵**	۰/۲۰**	۰/۳۸**	۰/۲۶**	۰/۱۹**	۰/۱۸**	۰/۲۶**	۱	
۱۵. سبک مثبت	۰/۲۹**	۰/۲۷**	۰/۲۵**	۰/۲۶**	۰/۱۹**	۰/۲۱**	۰/۱۸**	۰/۲۰**	۰/۳۸**	۰/۲۶**	۰/۱۸**	۰/۱۸**	۰/۲۶**	۰/۲۶**	۱
میانگین	۷۱/۳۰	۱۸/۳۲	۲۶/۵۶	۲۶/۴۶	۲۹/۹۴	۱۴/۷۱	۶۹/۵۳	۷۱/۱۸	۸۱/۲۹	۱۹/۸۴	۲۲/۴۸	۱۹/۹۷	۱۹/۲۱	۲۹/۹۶	۱۲/۷۱
انحراف استاندارد	۲۳/۹۲	۶/۸۴	۹/۵۰	۹/۲۳	۷/۱۸	۲۰/۲۶	۱۰/۵۳	۱۱/۰۲	۱۴/۲۲	۵/۲۰	۵/۱۱	۵/۸۵	۴/۹۸	۷/۹۷	۵/۸۲

\*\* $p < ۰/۰۱$

های دیگر از جمله شاخص نیکویی برازش<sup>۴</sup> (GFI)، شاخص برازش افزایش<sup>۵</sup> (IFI)، شاخص برازندگی توکر- لویس<sup>۶</sup> (TLI)، شاخص برازش مقایسه‌ای<sup>۷</sup> (CFI) و ریشه میانگین مربعات خطای برآورد<sup>۸</sup> (RMSEA) عدم برازش مدل پیشنهادی را تایید می‌کنند و نیاز به اصلاح مدل را نشان می‌دهند. از این‌رو

جدول ۲ مقایسه شاخص‌های برازش مدل پیشنهادی و مدل اصلاح‌شده را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج مندرج در جدول ۲، هرچند که در مدل پیشنهادی اولیه سه شاخص کای اسکوتر بهنجار شده<sup>۱</sup> (CMIN/DF)، نیکویی برازش انطباقی<sup>۲</sup> (AGFI) و شاخص برازش مقتصد هنجار شده<sup>۳</sup> (PNFI) برازش مدل را مورد تایید قرار می‌دهند، اما با این‌وجود شاخص

- 4. goodness-of-fit index
- 5. incremental fit index
- 6. Tucker-Lewis index
- 7. comparative fit index
- 8. root mean squared error of approximation

- 1. normed chi-square index
- 2. adjusted goodness-of-fit index
- 3. parsimonious normed fit index

باورهای ارتباطی با نورزگرایی و همبسته کردن خطای تفاوت جنسیتی با خطای تغییرناپذیری همسر است. بعد از اعمال دو اصلاح ذکر شده، مدل مجدداً مورد آزمون قرار گرفت و همان طور که در جدول ۲ ارائه شده است، تمامی شاخص‌های برازش مدل اصلاح‌شده برازش مدل اصلاحی را تایید کردند.

به‌منظور بهبود مدل ارائه شده اولیه، دو اصلاح (۱) همبسته کردن مسیر متغیرها و (۲) همبسته کردن مسیر خطاها، که بین متغیرهای اصلی این خطاها همبستگی بالایی وجود داشت، از بین گزینه‌های پیشنهادی نرم‌افزار AMOS انتخاب و همبسته شدند. این مسیرها شامل همبسته کردن متغیرهای اصلی

جدول ۲

مقایسه شاخص‌های برازندگی مدل پیشنهادی و اصلاح‌شده

شاخص	RMSEA	PNFI	CFI	TLI	IFI	AGFI	GFI	CMIN/DF
بازه قابل قبول	< ۰/۰۸	> ۰/۵۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۸۰	> ۰/۹۰	۵ تا ۱
مدل پیشنهادی اولیه	۰/۰۸۶	۰/۶۴	۰/۸۹	۰/۸۵	۰/۸۹	۰/۸۳	۰/۸۹	۲/۴۷
وضعیت برازش	عدم برازش	برازش	عدم برازش	عدم برازش	عدم برازش	برازش	عدم برازش	برازش
مدل اصلاح شده نهایی	۰/۰۶۶	۰/۶۴	۰/۹۴	۰/۹۱	۰/۹۴	۰/۸۶	۰/۹۲	۱/۸۶
وضعیت برازش	برازش	برازش	برازش	برازش	برازش	برازش	برازش	برازش

هم‌چنین به‌منظور بررسی معناداری روابط واسطه‌ای از آزمون بوت استرپ نرم‌افزار AMOS استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است. نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد که حد پایین و حد بالای مسیرهای غیرمستقیم نورزگرایی به دلزدگی زناشویی از طریق سبک توقع/کناره‌گیری، باورهای ارتباطی به دلزدگی زناشویی از طریق سبک توقع/کناره‌گیری، عملکرد خانواده اصلی به دلزدگی زناشویی از طریق سبک مثبت، و باورهای ارتباطی به دلزدگی زناشویی از طریق سبک مثبت، صفر را در بر نمی‌گیرند و این حاکی از معنادار بودن این مسیرهای غیرمستقیم است. به این صورت که در مسیر عملکرد خانواده اصلی به دلزدگی زناشویی از طریق سبک مثبت به دلیل عدم وجود رابطه مستقیم معنادار بین عملکرد خانواده اصلی و دلزدگی زناشویی واسطه‌گری سبک مثبت کلی<sup>۱</sup> است و در سه مسیر دیگر به دلیل وجود رابطه مستقیم معنادار واسطه‌گری‌ها جزئی<sup>۲</sup> هستند. اما از آنجایی که حد پایین و حد بالای مسیرهای غیرمستقیم عملکرد خانواده اصلی به دلزدگی زناشویی از طریق سبک توقع/کناره‌گیری و نورزگرایی به دلزدگی زناشویی از طریق سبک مثبت، صفر را در بر می‌گیرند، بنابراین این مسیرها معنادار نیستند. به‌عبارت دیگر نقش

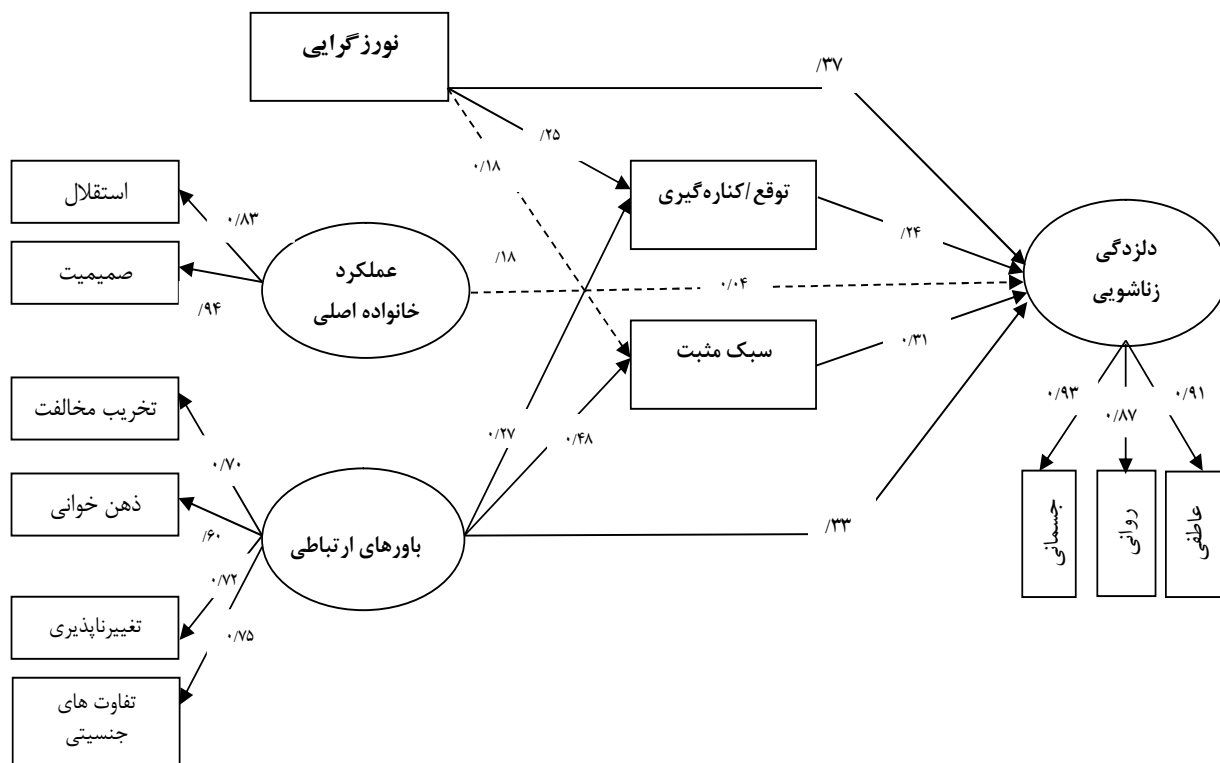
به منظور آزمون رابطه علی نورزگرایی، عملکرد خانواده اصلی و باورهای ارتباطی زوجین با دلزدگی زناشویی با واسطه‌گری الگوهای ارتباطی توقع/کناره‌گیری و مثبت، از روش تحلیل مسیر استفاده شد. بنابراین، الگوی پیشنهادی حاضر در مجموع از متغیرهای نورزگرایی، عملکرد خانواده اصلی، باورهای ارتباطی زوجین، دلزدگی زناشویی و الگوهای ارتباطی توقع/کناره‌گیری و مثبت تشکیل شده است. ضرایب استاندارد مسیرها در شکل ۱ حاکی از آن است که مسیر عملکرد خانواده اصلی با دلزدگی زناشویی ( $\beta = ۰/۰۴$ ) و مسیر نورزگرایی با سبک مقابله‌ای مثبت ( $\beta = -۰/۱۸$ ) و مسیر عملکرد خانواده اصلی با سبک مقابله‌ای توقع/کناره‌گیری در سطح آماری  $p > ۰/۵۰$  قرار دارند و معنادار نیستند. نتایج نشان می‌دهد که مسیر نورزگرایی به دلزدگی زناشویی ( $\beta = ۰/۳۷$ )، مسیر باورهای ارتباطی به دلزدگی زناشویی ( $\beta = ۰/۳۳$ )، مسیر سبک توقع/کناره‌گیری به دلزدگی زناشویی ( $\beta = ۰/۲۴$ )، مسیر سبک مثبت به دلزدگی زناشویی ( $\beta = -۰/۳۱$ )، مسیر نورزگرایی به سبک توقع/کناره‌گیری ( $\beta = ۰/۲۵$ )، مسیر عملکرد خانواده اصلی به سبک مثبت ( $\beta = ۰/۲۳$ ) و مسیر باورهای ارتباطی با سبک توقع/کناره‌گیری ( $\beta = ۰/۲۷$ ) و سبک مثبت ( $\beta = -۰/۴۸$ ) در سطح آماری  $p < ۰/۰۱$  معنادار است.

1. fully

2. partially



واسطه‌ای سبک توقع/کناره‌گیری در ارتباط بین عملکرد خانواده نوززگرایی به دلزدگی زناشویی مورد تایید قرار نگرفت. اصلی به دلزدگی زناشویی و سبک مثبت در ارتباط بین



شکل ۱. مدل اصلاح‌شده نهایی به همراه ضرایب استاندارد مسیره‌ها

جدول ۳

نتایج آزمون بوت استراپ برای مسیرهای غیرمستقیم

متغیر پیش‌بین	متغیر میانجی	متغیر ملاک	نمونه‌گیری مجدد	حد پایین	حد بالا	فاصله اطمینان
نورزگرایی	سبک توقع/کناره‌گیری	دلزدگی زناشویی	۱۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۱۳۸	۰/۹۵
عملکرد خانواده اصلی	سبک توقع/کناره‌گیری	دلزدگی زناشویی	۱۰۰۰	-۰/۰۰۶	۰/۱۹۳	۰/۹۵
باورهای ارتباطی	سبک توقع/کناره‌گیری	دلزدگی زناشویی	۱۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۱۴۰	۰/۹۵
نورزگرایی	سبک مثبت	دلزدگی زناشویی	۱۰۰۰	-۰/۰۲۵	۰/۳۱۲	۰/۹۵
عملکرد خانواده اصلی	سبک مثبت	دلزدگی زناشویی	۱۰۰۰	-۰/۲۳۸	-۰/۰۲۳	۰/۹۵
باورهای ارتباطی	سبک مثبت	دلزدگی زناشویی	۱۰۰۰	۰/۰۵۹	۰/۴۱۲	۰/۹۵

### بحث

می‌گذارند و آیا آسیب‌پذیری‌های بادوام به‌طور غیرمستقیم و از طریق الگوهای تعاملی توقع/کناره‌گیری و مثبت بر دلزدگی زناشویی تاثیر دارند؟ بعد از اعمال اصلاح در مدل پیشنهادی، برازش مدل مورد تایید قرار گرفت. بررسی مسیرهای مستقیم به دلزدگی زناشویی نشان داد که به‌جز مسیر عملکرد خانواده

هدف پژوهش حاضر پاسخگویی به این سوال بود که آیا آسیب‌پذیری‌های بادوام شامل نورزگرایی، عملکرد خانواده اصلی و باورهای ارتباطی، به‌طور مستقیم بر دلزدگی زناشویی تاثیر

فلیسون (۲۰۰۴)، چون این افراد زمان زیادی را صرف پرداختن به نگرانی‌ها و افکار و عواطف منفی خود می‌کنند، وقت مناسبی برای انجام وظایف و عمل به تعهدات زناشویی خود ندارند. این اشتغال فزاینده به خود و خواسته‌های شخصی، به همراه عواطف منفی، بر رضایت از زندگی زناشویی تأثیری منفی می‌گذارد. کلور<sup>۳</sup> (۱۹۹۸؛ به نقل از ساداتی، ۱۳۹۳) نیز معتقد است که افراد با نوززگرایی بالا، عمدتاً دارای سبک دلبسته ناایمن<sup>۴</sup> هستند و افراد در این سبک دلبستگی، جهت حفظ رابطه، کمتر دست به رفتارهای حفاظت‌کننده‌ای چون صحبت کردن در مورد مشکلات زناشویی می‌زنند که خود، به تسریع فرآیند دلزدگی دامن می‌زند. کایزر و راثو (۲۰۰۶) معتقدند که آن چه زمینه ایجاد دلزدگی زناشویی را در افراد با نوززگرایی بالا فراهم می‌کند تمایل این افراد به هیجان‌پذیری منفی در تعارض‌های زناشویی است. در واقع عاطفه منفی، اضطراب و افسردگی بالا این افراد را در دور باطل تعاملات منفی گرفتار می‌سازد که این تسلسل می‌تواند در طول زمان منجر به دلزدگی زناشویی گردد. در واقع افراد با نمره بالای نوززگرایی در برخورد با تعارض‌های بین‌فردی، بیشتر دست به رفتارهای نامتناسب و واکنش‌های هیجانی شدید می‌زنند و از الگوهای تعاملی آسیب‌زا نظیر الگوی توقع/کناره‌گیری استفاده می‌کنند (نیسکزوتا، ۲۰۱۴). همچنین افراد نورویتیک دارای هیجان منفی و ناپایدار هستند و این ناپایداری می‌تواند به نوسان در روابط بین‌فردی منجر شود. این افراد در روابط رومانیتیک و عاشقانه خود پایدار نیستند، از این‌رو الگوهای ارتباطی آنها به صورت دوره‌ای با صمیمیت و کناره‌گیری بیش از حد مشخص می‌شود. به عبارت دیگر زمانی که این افراد خُلُقشان مثبت باشد تمایل به صمیمیت دارند و از روش توقع و زمانی که خُلُقشان منفی باشد تمایل به اجتناب و نارضایتی داشته و از روش کناره‌گیری استفاده می‌کنند (شاهمرادی، اعتمادی، بهرامی، فاتح‌زاده و احمدی، ۲۰۱۳).

معناداری مسیر مستقیم باورهای ارتباطی با دلزدگی زناشویی با نتایج یافته‌های اسماعیل‌پور و همکاران (۱۳۹۲)، ریگیو و ویزر (۲۰۰۸)، ساین‌ایجسی و جنکاز (۲۰۰۶) و ویلوقبای (۲۰۱۵)، و معناداری واسطه‌گری سبک‌های تعاملی

اصلی به دلزدگی زناشویی در سایر مسیرها تأثیر معنادار مورد تأیید قرار گرفت. در ارتباط با مسیرهای غیرمستقیم نوززگرایی، عملکرد خانواده اصلی و باورهای ارتباطی بر دلزدگی زناشویی از طریق الگوهای تعاملی توقع/کناره‌گیری و مثبت نتایج نشان داد که نقش واسطه‌ای سبک توقع/کناره‌گیری در ارتباط بین نوززگرایی و باورهای ارتباطی با دلزدگی زناشویی مورد تأیید اما نقش واسطه‌ای سبک توقع/کناره‌گیری در ارتباط بین عملکرد خانواده اصلی با دلزدگی زناشویی مورد تأیید قرار نگرفت. نقش واسطه‌ای سبک مثبت در ارتباط بین عملکرد خانواده اصلی و باورهای ارتباطی با دلزدگی زناشویی مورد تأیید قرار گرفت اما نقش واسطه‌ای سبک مثبت در ارتباط بین نوززگرایی با دلزدگی زناشویی تأیید نشد.

نتایج حاکی از برازش مناسب مدل نهایی با داده‌ها بود، این برازش مدل با نتایج یافته کارنی و برادبری (۱۹۹۵)، همسو است. معناداری مسیر مستقیم نوززگرایی با دلزدگی زناشویی با نتایج یافته‌های لوی و بن-اری (۲۰۰۴)، لارسن و همکاران (۲۰۱۰)، لیندستروم (۲۰۱۳) و نادری و همکاران (۱۳۸۸) و معناداری واسطه‌گری سبک تعاملی توقع/کناره‌گیری در مسیر نوززگرایی به دلزدگی زناشویی با نتایج یافته‌های کوردک (۱۹۹۷)، لارسن و همکاران (۲۰۱۰) و لیندستروم (۲۰۱۳) همسو است.

از دو منظر می‌توان این ارتباط را تبیین کرد؛ مدل‌های بین فردی<sup>۱</sup> و مدل‌های درون‌فردی<sup>۲</sup>. از دیدگاه مدل‌های بین‌فردی (مانند کاگالین و همکاران، ۲۰۰۰) افراد با نمره بالا در نوززگرایی با رفتار و هیجان نامناسب خود در ارتباط با دیگران باعث ایجاد رویدادهای منفی بیشتری در زندگی می‌شوند که بر عملکرد زناشویی آنها تأثیر می‌گذارد. از دیدگاه مدل‌های درون‌فردی (مانند کوهته و ماسکوویتز، ۱۹۹۸) افراد با نمره بالای نوززگرایی رضایت کمتری از روابط دارند چرا که به‌طور کلی دیدگاه این افراد به رویدادهای زندگی منفی است و رضایت کمتری از زندگی دارند. بسیاری از پژوهشگران بر اساس دیدگاه تلفیقی معتقدند که هر دو عامل در دلزدگی زناشویی اهمیت دارند (برادبری و فینچام، ۱۹۸۸). به اعتقاد واین، موسیسکا و

3. Klever, P.

4. insecure attachment style

1. interpersonal models

2. intrapersonal models

برادبری (۱۹۹۵)، ویتون و همکاران (۲۰۰۸) همسو است. عملکرد خانواده اصلی با دو زیر مولفه میزان صمیمیت و استقلال فرد در خانواده اصلی تعیین می‌گردد و از آنجایی که مفهوم تمایز یافتگی به توانایی تجربه صمیمیت با دیگران و ماندن در جو عاطفی و در عین حال استقلال از دیگر افراد اشاره دارد (کلور، ۲۰۰۹)، می‌توان تاثیر متغیر خانواده اصلی را از طریق میزان تمایز یافتگی افراد تبیین کرد. به گونه‌ای که افراد با تمایز یافتگی بالا واکنش‌های خود را به صورت منطقی کنترل می‌کنند و در مقابل، افراد با تمایز یافتگی پایین گرایش دارند تا این کنترل را با واکنش‌های هیجانی و عاطفی اعمال کنند (پیس، ۲۰۱۳). در نظام زناشویی نیز چنانچه تمایز یافتگی زوج‌ها بالا باشد احتمال سازگاری مناسب با تعارض‌ها و استفاده از سبک مثبت برای زوج‌ها بیشتر می‌شود و اضطراب، واکنش‌های هیجانی و در نهایت آمیختگی کاهش می‌یابد. در سمت مقابل، استفاده زوجین با تمایز یافتگی پایین از اجتناب، به هنگام وقوع تعارض به برهم خوردن تعادل بین با هم بودن و فردیت می‌انجامد و در درازمدت به دلزدگی منجر می‌شود (پاپرو، ۲۰۰۰).

یافته‌های پژوهش حاضر از دو جنبه نظری و عملی می‌تواند مفید باشد. در سطح نظری با بررسی تاثیر مستقیم و غیرمستقیم آسیب‌پذیری‌های دوران اولیه زندگی و الگوهای تعاملی بر دلزدگی زناشویی به بدنه پژوهشی و دانش موجود در زمینه شناسایی عوامل موثر بر چگونگی و چرایی بهبود، افول و تغییرات زندگی مشترک در طول زمان و شروع دلزدگی کمک می‌کند و در سطح عملی می‌تواند کمک بزرگی در پیشگیری و کنترل آسیب اجتماعی طلاق و افزایش کیفیت زندگی زوجین باشد. با توجه به یافته‌های این پژوهش به نظر می‌رسد که لازم است در فرایند زوج‌درمانی یا خانواده‌درمانی، آسیب‌پذیری‌های اولیه زوجین مورد ارزیابی قرار بگیرد تا در صورت لزوم مداخلاتی در این زمینه صورت انجام شود. همچنین نتایج این پژوهش می‌تواند در مشاوره پیش از ازدواج مدنظر قرار گیرد و با توجه به الگوهای ارتباطی و آسیب‌پذیری‌های اولیه زندگی، توصیه‌ها و اقدامات پیشگیرانه صورت بگیرد.

جمع‌آوری داده‌های این پژوهش بر اساس مقیاس‌های خودگزارش‌دهی، استرس و اضطراب ناشی از محیط دادگستری

توقع/کناره‌گیری و سبک مثبت در مسیر باورهای ارتباطی به دلزدگی زناشویی با نتایج یافته‌های کارنی و برادبری (۱۹۹۵) همسو است. بر اساس نظریه عقلانی-عاطفی-رفتاری<sup>۱</sup> ایس، ارتباط بین تفکر غیرمنطقی زوجین و دلزدگی زوجین قابل توضیح است. ایس<sup>۲</sup> (۲۰۰۹)؛ به نقل از برنارد، (۲۰۰۹) معتقد است که باورهای ارتباطی غیرمنطقی اساس بیولوژیکی قوی‌تری دارند که داشتن این باورهای غیرمنطقی به مشکلات روانی بیشتر و اختلال در روابط زناشویی منجر می‌شود، درحالی‌که باورهای منطقی نقش ویژه‌ای در موفقیت افراد دارد. ایس معتقد است که رها شدن انسان‌های پراکنجه از دست تحقیر خویشان<sup>۳</sup> و خودخوارشماری<sup>۴</sup> به عنوان جلوه‌هایی از تفکر غیرمنطقی، ممکن است سطح تحمل ناکامی در روابط زناشویی آنها را بالا ببرد و در نهایت آنها را به سمت موفقیت و پیشرفت سوق دهد (ایس، ۲۰۰۹)؛ به نقل از برنارد، (۲۰۰۹). یانگ و لانگ (۲۰۰۷) بر نقش ارتباط منطقی در جلوگیری از بروز دلزدگی زناشویی تاکید کردند و عدم موفقیت در برقراری روابط منطقی را شایع‌ترین مشکلی دانسته‌اند که زوج‌های ناراضی مطرح می‌کنند. همچنین افراد از زمان کودکی درباره خود، دیگران و دنیای خود باورهای خاصی ایجاد می‌کنند که این باورها آن‌چنان بنیادین و عمیق هستند که افراد این باورها را به عنوان حقیقت مطلق در نظر می‌گیرند؛ هرچند گاهی این باورها غیر منطقی هستند اما بر اثر استفاده زیاد در جنبه‌های مختلف زندگی، به صورت عادت درآمده‌اند و مکرراً در نظام تفسیر مسایل زناشویی و حل تعارض استفاده می‌شوند. از نظر ایس زوجین تحت تاثیر چنین باورهای غیرمنطقی پذیرفته شده دچار گرایش خاص در رفتار و اعمال خود می‌شوند؛ الگوهای ارتباطی یکی از اساسی‌ترین این گرایش‌هاست. به دنبال مجموعه‌ای از این توقعات و تفکرات غیر واقع‌گرایانه و فراز و نشیب‌های زندگی است که دلزدگی زناشویی بروز می‌کند.

معناداری واسطه‌گری سبک تعاملی مثبت در مسیر عملکرد خانواده اصلی به دلزدگی زناشویی با نتایج یافته‌های کارنی و

1. rational emotive behavior theory
2. Ellis, A.
3. self-downing
4. self-depreciation

بر اساس مدل مفهومی آسیب پذیری- استرس- انطباق در تبیین دلزدگی زناشویی به معنای موثر نبودن و نادیده گرفتن سایر متغیرهای موثر در دلزدگی زناشویی نیست. پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی مدل های جدیدی با در نظر گرفتن سایر متغیرها و مدل های مفهومی دیگر تدوین گردد. همچنین پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی افرادی که خواهان تدوین مدل جدیدی بر اساس مدل مفهومی آسیب پذیری- استرس- انطباق هستند، در مورد بعد آسیب پذیری متغیرهای دیگری را با در نظر گرفتن فرهنگ و شرایط جامعه مورد مطالعه، بررسی نمایند. در نهایت از همکاری مسوولان و مشاوران دادگاه خانواده دادگستری شهرستان اردبیل و همچنین از تمامی بزرگوارانی که در این پژوهش شرکت نمودند، کمال تشکر و قدردانی بجا آورده می شود.

و رویداد طلاق از محدودیت های این پژوهش بود. همچنین از آنجایی که این پژوهش روی زوجین متقاضی طلاق شهرستان اردبیل با تحصیلات بالاتر از دبیرستان انجام گرفته است، تعمیم آن به افراد سایر گروه ها باید با احتیاط انجام گیرد. پیشنهاد می شود جهت افزایش گستره تعمیم پذیری یافته های این پژوهش، پژوهش های مشابهی روی گروه های دیگری از جمله متقاضیان طلاق با سطوح تحصیلی مختلف، متقاضیان طلاق مراجعه کننده به مراکز مشاوره، زوجین با علایم طلاق عاطفی و سایر زوجین انجام شود. از آنجایی که در پژوهش حاضر در ارتباط متغیرها، زوجین به صورت مشترک در نظر گرفته شده اند، پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی دو جنس به صورت جداگانه بررسی شوند و وضعیت این دو جنس در مدل پژوهشی حاضر مقایسه گردد. برازش مدل تدوین شده در پژوهش حاضر

## منابع

- اسماعیل‌پور، خ.، خواجه، و. و مهدوی، ن. (۱۳۹۲). پیش‌بینی رضایت زناشویی همسران بر اساس باورهای ارتباطی و مهارت‌های ارتباطی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۹، ۴۴-۳۰.
- انیسی، ج.، مجدیان، م.، جوشن‌لو، م. و گوهری‌کامل، ز. (۱۳۹۰). بررسی اعتبار و روایی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی نفو در دانشجویان. *مجله علوم رفتاری*، ۴، ۳۵۵-۳۵۱.
- پاینز، آ. (۱۹۹۶). *چه کنیم تا عشق رویایی به دلزدگی نینجامد*. ترجمه فاطمه شاداب، ۱۳۸۱. تهران: انتشارات ققنوس.
- ثنائی، ب.، علاقبند، س.، فلاحتی، ش. و هومن، ح. ع. (۱۳۸۷). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: موسسه انتشارات بعثت.
- حبیبی، آ. (۱۳۹۱). *آموزش کاربردی لیزرل*. تهران: نشر الکترونیک پایگاه.
- حسینیان، س.، یزدی، م. و جاسبی، م. (۱۳۸۶). رابطه بین سطح سلامت خانواده اصلی و رضایت زناشویی زنان دبیر آموزش پرورش شهرستان کرج. *مجله پژوهش‌های تربیتی و روانشناختی*، ۱، ۷۶-۶۳.
- حیدری، م.، مظاهری، م. و پوراعتماد، ح. (۱۳۸۴). رابطه باورهای ارتباطی با احساسات مثبت نسبت به همسر. *خانواده پژوهی*، ۱، ۱۳۰-۱۲۱.
- خجسته مهر، ر.، کوچکی، ر. و رجیبی، غ. (۱۳۹۱). نقش واسطه‌ای اسنادهای ارتباطی و راهبردهای حل تعارض غیرسازنده در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و کیفیت زناشویی. *روانشناسی معاصر*، ۷، ۱۴-۳.
- ساداتی، ا.، مهربابی زاده هنرمند، م. و سودانی، م. (۱۳۹۳). رابطه علی تمایز یافتگی و بخشندگی با دلزدگی زناشویی با واسطه تعارض زناشویی. *روانشناسی خانواده*، ۱، ۶۸-۵۵.
- ساداتی، احسان (۱۳۹۳). *رابطه علی تمایز یافتگی، نورزگرایی و بخشودگی با دلزدگی زناشویی از طریق میانجی‌گری تعارض زناشویی در معلمان مرد مدارس شهر استهبان*.
- پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- سازمان ثبت احوال کشور. (۱۳۹۴). <http://www.sabteahval.ir>
- شولی‌بندر ریگی‌زاده، س.، بشلیده، ک.، هاشمی شیخ‌شبان، ا.، و ارشدی، ن. (۱۳۹۰). بررسی رابطه‌ی نورزگرایی، تعارض کار- خانواده، گرانباری نقش، عدالت رویه‌ای، عدالت توزیعی و کنترل شغلی با فرسودگی شغلی در کارکنان شرکت گاز اهواز. *مجله دست‌آوردهای روانشناختی (علوم تربیتی و روان‌شناسی)*، ۴، ۷۲-۴۷.
- عبدالله‌زاده، ب. (۱۳۸۶). *مقایسه بین عوامل شخصیتی، سبک‌های حل مساله و میزان استرس تجربه‌شده میان افراد وابسته به مواد و افراد بهنجار*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه تبریز.
- فرحبخش، ک. (۱۳۹۰). *همبستگی بین ویژگی‌های ادراک‌شده خانواده اصلی و فعلی و رابطه آن با تعارض زناشویی*. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی*، ۲، ۶۰-۳۵.
- گروسی فرشی، م. (۱۳۸۰). *رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت*. تبریز: نشر جامعه پژوه.
- مظاهری، م. و پوراعتماد، ح. (۱۳۸۰). *مقیاس باورهای ارتباطی*. چاپ نشده، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی.
- مومن‌زاده، ف. (۱۳۸۱). *ارتباط تفکرات غیرمنطقی و الگوهای وابستگی با سازگاری زناشویی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی.
- نادری، ف.، افتخار، ز. و آملازاده، ص. (۱۳۸۸). رابطه ویژگی‌های شخصیتی و روابط صمیمی همسر با دلزدگی زناشویی در همسران معتادان مرد اهواز. *فصلنامه یافته‌های نو در روانشناسی*، ۴، ۶۱-۷۸.
- نعیم، س. (۱۳۸۷). *رابطه بین دلزدگی زناشویی، روابط صمیمی با همسر و تعارضات زناشویی با خشونت علیه زنان شهر ایلام*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- هومن، ح. ع. (۱۳۸۴). *مدل یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل*. تهران: انتشارات سمت.

### References

- Bernard, M. E. (2009). Dispute irrational beliefs and teach rational beliefs: An interview with Albert Ellis. *Journal of Rational-Emotive and Cognitive-Behavior Therapy*, 27, 66-76.
- Bradbury, T. N., & Fincham, F. D. (1988). Individual difference variables in close relationships: A contextual model of marriage as an integrative framework. *Journal of Personality and Social Psychology*, 54, 713-721.
- Buss, D. M. (1991). Conflict in married couples: Personality predictors of anger and upset. *Journal of Personality*, 59, 663-703.
- Byers, E. S. (2005). Relationship satisfaction and sexual satisfaction: A longitudinal study of individuals in long-term relationships. *The Journal of Sex Research*, 42, 113-118.
- Caughlin, J. P., Huston, T. L., & Houts, R. M. (2000). How does personality matter in marriage? An examination of trait anxiety, interpersonal negativity, and marital satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78, 326-336.
- Christensen, A., & Heavey, C. L. (1990). Gender and social structure in the demand/withdraw pattern of marital conflict. *Journal. Personality and Social Psychology*, 59, 73-81.
- Christensen, A., & Sullaway, M. (1984). *Communication Patterns Questionnaire*. Unpublished Questionnaire, University of California, Los Angeles.
- Cote, S., & Moskowitz, D. S. (1998). On the dynamic covariation between interpersonal behavior and affect: Prediction from Neuroticism, extraversion, and agreeableness. *Journal of Personality and Social Psychology*, 75, 1032-1046.
- Crowley, A. K. (2006). *The relationship of adult attachment style and interactive conflict styles to marital satisfaction*. In partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy. Texas A & M University
- Day, R. (2003). *Introduction to family processes*. London: Erlbaum Association, Inc.
- Edelson, R. S., & Epstein, N. O. (1982). Cognition and relationship maladjustment development of a measure of dysfunctional relationship beliefs. *Journal of Counseling and clinical psychology*, 50, 715-720.
- Feeney, J. A. (1999). Adult romantic attachment and couple relationships. In J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds.), *Handbook of attachment theory, research, and clinical application* (pp: 355-377). New York: Guilford press.
- Geist, R. L., & Gilbert, D. G. (1996). Correlated of expressed and felt emotion during marital conflict: Satisfaction, personality, process, and outcome. *Personality and Individual Differences*, 21, 49-60.
- Ghoroghi, S., Hassan, S. A., & Baba, M. (2012). Function of family-of-origin experiences and marital adjustment among married Iranian students of University of Putra Malaysia. *International Journal of Psychological Studies*, 4, 94-103.
- Hamamci, Z. (2005). Dysfunctional relationship beliefs in marital conflict. *Journal of Rational-Emotive and Cognitive-Behavioral Therapy*, 23, 245-161.
- Heene, E. L., Buysse, A., Van Oost, P. (2005). Indirect pathways between depressive symptoms and marital distress: the role of conflict communication, attributions, and attachment style. *Family Process*, 44, 413-40.
- Hembrecht, M. (2009). *The role of dysfunctional relationship beliefs in relationship satisfaction a comparison of singles with satisfied and less satisfied coupled people in their endorsement of irrational and anxious relationship beliefs*. Master thesis, Faculty of Social and Behavioral Theses, University of Utrecht.
- Hovestadt, A. J., Anderson, W. T., Piercy, F. P., Cochran, S. W., & Fine, M. (1985). A family-of-origin scale. *Journal of Marital and Family Therapy*, 11, 287-297.
- James, S., Huntly, J., & Hemsworth, D. (2002). Factor structure of relationship belief inventory. *Cognitive Therapy and Research*, 26, 729-755.
- Karney, B. R., Bradbury, T. N. (1995). The longitudinal course of marital quality and stability: A review of theory, methods, and research. *Psychological Bulletin*, 118, 3-34.
- Karney, B. R., Bradbury, T. N. (1997). Neuroticism, marital interaction, and the trajectory of marital satisfaction. *Journal of*

- Personality and Social Psychology*, 72, 1075-1092.
- Kayser, K., & Rao, S. S. (2006). *Process of disaffection in relationship breakdown*. Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Kiviniemi, A. A. I., Wasz-Hockert, O., Seitamo, L. K., Joskitt, L. O., Heikkinen, H. P., Moilanen, I. K., et al. (2011). The association between parental images and satisfaction in intimate relationships in a Northern Finland sample. *International Journal of Circumpolar Health*, 70, 215-227.
- Klever, P. (2009). Goal direction and effectiveness, emotional maturity, and nuclear family functioning. *Journal of Marital and Family Therapy*, 3, 308-324.
- Kurdek, L. A. (1997). Relation between neuroticism and dimensions of relationship commitment: Evidence from gay, lesbian, and heterosexual couples. *Journal of Family Psychology*, 11, 109-124.
- Larsen, J. H., Blick, R.W., Jackson, J. B., & Holman, T. B. (2010). Partner traits that predict relationship satisfaction for neurotic individuals in premarital relationships. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 36, 430-444.
- Lavee, Y., & Ben-Ari, A. (2004). Emotional expressiveness and neuroticism: Do they predict marital quality? *Journal of Family Psychology*, 18, 620-627.
- Lindstrom, R. A. (2013). Cyclicity and the relationship between neuroticism, communication, and relationship satisfaction in cohabiting couples. A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree master of science. Manhattan, Kansas state university.
- Muraru, A. A., & Turliuc, M. N. (2012). Family-of-origin, romantic attachment, and marital adjustment: a path analysis model. *Social and Behavioral Sciences*, 33, 90-94.
- Niszczota, P. (2014). Neuroticism, uncertainty, and foreign investment. *Department of International Finance (forthcoming)*, 1-36.
- Oleary, K. D. (1987). *Assessment of marital discord*. USA: Lawrence Erlbaum Associates Inc.
- Papero, D. V. (2000). Bowen systems theory. In F. M. Dattilio & L. J. Bevilacqua (Eds.), *Comparative treatments for relationship dysfunction* (pp. 58-78). New York: Springer Publishing.
- Pease, K. (2013). *Differentiation of self and anxiety as a function of culture*. A thesis for the degree of Master of Science, California State University, Stanislaus.
- Pytlik-Zillig, L. M. P., Hemenover, S. H., & Dienstbier, R. A. (2002). What do we assess when we assess a big 5 trait? A content analysis of the affective, behavioral, and cognitive processes represented in big 5 personality inventories. *Faculty Publications, Department of Psychology*, 28, 847-858.
- Riggio, H., & Weiser, D. (2008). Attitude toward Marriage: Embeddedness and outcomes in personal relationships. *Personal relationships*, 15, 123-140.
- Robins, R. W., Caspi, A., & Moffitt, T. E. (2000). Two personalities, one relationship: Both partners' personality traits shape the quality of their relationship. *Journal of Personality and Social Psychology*, 79, 251-259.
- Schrodt, P., Witt, P. L., & Shimkowski, J. R. (2014). A meta-analytical review of the demand/withdraw pattern of interaction and its associations with individual, relational, and communicative outcomes. *Communication Monographs*, 81, 28-58.
- Shahmoradi, S., Etemadi, O., Bahrami, F., Fatehizadeh, M., & Ahmadi, A. (2013). Personality characteristics, self-esteem and attachment styles as predictors for demand/withdraw marital communicational cycle. *Journal of Basic and Applied Scientific Research*, 3, 136-141.
- Sine Egeci, I., & Gençöz, T. (2006). Factors associated with relationship satisfaction: Importance of communication skills. *Contemporary Family Therapy*, 28, 383-391.
- Sprecher, S., & Cate, R. M. (2004). Sexual satisfaction and sexual expression as predictors of relationship satisfaction and stability. In J. H. Harvey, A. Wenzel, & S. Sprecher (Eds.), *The handbook of sexuality in close relationships* (pp. 235-256). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Wayne, J. H., Musisca, N., & Fleeson, W. (2004). Considering the role of personality in the work-

- family experience: Relationships of the big five to work-family conflict and facilitation. *Journal of Vocational Behavior*, 64, 108-130.
- Whitton, S. W., Waldinger, R. J., Schulz, M. S., Allen, J. P., Crowell, J. A., Hauser, S. T. (2008). Prospective associations from family-of-origin interactions to adult marital interactions and relationship adjustment. *Journal of Family Psychology*, 22, 274-286.
- Willoughby, B. J. (2015). the role of marital beliefs as a component of positive relationship functioning. *Journal Adult Development*, 22, 76-89.
- Young, M. E., & Long, L. L. (2007). *Counseling and therapy for couples*. CA: Brooks/Cole.
- Zwicker, A. E. (2013). *Understanding divorce in the context of stepfamilies*. A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy. Faculty of Graduate Studies (Psychology). The University of British Columbia, Vancouver.